

شناسایی مسائل روابط معلم-دانش آموز از دیدگاه معلمان دوره ابتدایی: یک مطالعه پدیدارشناسی

سید عطاءالله آزاده^۱، رزگار محمدی^{۲*}

S.A. Azadeh¹, R. Mohammadi^{2*}

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۶/۲۴

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۲۴

Received Date: 2020/02/13

Accepted Date: 2020/09/14

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف شناسایی مسائل مربوط به روابط معلم-دانش آموز از دیدگاه معلمان دوره ابتدایی شهر سقز انجام گرفت.

روش: این پژوهش به روش کیفی پدیدارشناسی انجام گرفت. جامعه مورد مطالعه شامل کلیه معلمان ابتدایی شهر سقز بود. نمونه مورد مطالعه پژوهش شامل ۱۲ نفر از معلمان ابتدایی شهر سقز بود. به منظور گردآوری داده‌های پژوهش از مصاحبه نیم‌ساختاریافته استفاده شد. مصاحبه‌ها تا اشباع نظری ادامه یافت. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل محتوای کیفی استفاده شد و به منظور کدگذاری از شیوه کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شد. **یافته‌ها:** از دیدگاه معلمان مدیریت کلاس درس (تبعیض بین دانش‌آموزان، نحوه اداره کلاس درس، سبک‌های تدریس معلم، توجه معلم به دانش‌آموز، وجود فاصله بین معلم و دانش‌آموزان)، فضای فیزیکی و آموزشی (مناسب نبودن منابع آموزشی، فضای فیزیکی نامناسب کلاس درس)، مسائل فردی دانش‌آموزان (انگیزه پایین دانش‌آموزان، اعتماد به نفس پایین دانش‌آموزان)، نظام کلی آموزشی (مسائل مربوط به نظام آموزشی)، مسائل مربوط به والدین (روابط مدرسه و خانواده، عدم آگاهی والدین از فرایند صحیح آموزش، پیش‌داوری‌های والدین از معلم و مدرسه) و مسائل مربوط به معلم و کادر مدرسه (کمبود دانش و تجربه معلم، مسائل فردی معلم، عدم هماهنگی معلم و کادر مدرسه) به عنوان مؤلفه‌های مسائل روابط معلم-دانش‌آموز شناسایی شدند.

کلید واژه‌ها: مسائل، روابط معلم-دانش‌آموز، پدیدارشناسی، معلمان ابتدایی

۱. کارشناسی ارشد آموزش ابتدایی، واحد سقز، دانشگاه آزاد اسلامی، سقز، ایران

۲. گروه علوم تربیتی، واحد سقز، دانشگاه آزاد اسلامی، سقز، ایران

* نویسنده مسئول:

مقدمه و بیان مسئله

نظام آموزش و پرورش در جوامع مختلف مسؤلیت انتقال هنجارها و نگرش‌های خاص به فراگیران خود را به عهده دارد. دانش‌آموزان در طی یک دوره نسبتاً طولانی مدتی که در مدرسه حضور دارند در معرض انواع برنامه‌های آشکار^۱ و پنهان^۲ نظام آموزشی قرار دارند، در نگاه نخست آنچه به ذهن متبادر می‌شود و از دستگاه آموزش و پرورش نیز انتظار می‌رود این است که این دستگاه یکی از کارگزاران جامعه‌پذیری در دوران کنونی به شمار می‌آید. به قول (Althusser, 1979) این دستگاه ابزاری برای آموزش و پرورش نیروهای لازم برای بخش‌های مختلف کار در جامعه تلقی می‌شود (Cited in Hazeri & Rezapour, 2013). در واقع برون‌دادهای دانش‌آموزان در نتیجه روابط علّت و معلولی ساده به وجود نمی‌آید، بلکه به نظر می‌رسد حاصل تعاملات منظم عوامل فردی (ویژگی‌های دانش‌آموزان) و بافتی (ویژگی‌های محیط آموزشی) است. بنابراین می‌توان گفت که موفقیت دانش-آموزان در فعالیتهای آموزشی تحت تأثیر تفاوت‌های فردی آنان و پیام‌هایی که از بافت آموزشی ادراک می‌کنند قرار دارد (Motaghi & et al, 2015). عمده‌ترین فعالیتهای آموزشی، در کلاس درس و توسط معلم صورت می‌پذیرد. شکل دادن به هر عمل و فرایندی در کلاس، مستلزم وجود روش‌های ویژه آن عمل است که استفاده از آن روش‌ها راه را برای رسیدن به اهداف موردنظر هموارتر می‌سازد. عمل آموزشی و یاددهی معلم در کلاس درس نیز، که اصلی‌ترین راه‌ها برای آموزش به دانش‌آموزان است، دارای روش‌های مخصوص به خود می‌باشد که انتقال تجارب و دانش به فراگیران و ترتیب دادن فرصت‌های یادگیری برای آن‌ها می‌تواند بر پایه آن قرار گیرد. یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین مباحث مرتبط با آموزش و تدریس نوع ارتباط معلم با دانش‌آموز است چرا که از یک سو بدون آن آموزش اثربخش میسر نخواهد بود و از سوی دیگر نقش آن در رشد فراگیران اگر مؤثرتر از آموزش و تدریس نباشد کم رنگ‌تر از آن نخواهد بود. مهارت در ایجاد ارتباط مناسب با دیگران بر توانایی‌ها و اعتماد به نفس ما می‌افزاید، استعداد و دستاوردهایمان را می‌نمایاندن و احترام و قدردانی دیگران را جلب می‌کند (Tileston, 2010).

این امر معلم را در راه رسیدن به هدف‌های تدریس و روابط آموزشی و انضباطی یاری می‌دهد و شرایط مناسب را جهت تسهیل یادگیری دانش‌آموزان و تربیت آن‌ها فراهم می‌کند. «ایجاد ارتباط صحیح» یکی از مهارت‌های حرفه معلمی محسوب می‌شود، و به همین جهت لازم است معلم بیش از هر مهارت دیگری آن را پرورش دهد (Safavi, 2019). ایجاد ارتباط معقول و منطقی معلم و دانش‌آموز در شبکه و سیستم ارتباطی مدرسه، ضرورت اجتناب‌ناپذیری است که موجب موفقیت آن در امر تعلیم

1 . explicit curriculum

2 . hidden curriculum

و تربیت می‌شود (Farhadiyam, 2014). دانش‌آموزان نه تنها تجربه‌های کافی برای شناخت و تشخیص مصالح بلندمدت خود را ندارند، از نظر ساده‌اندیشی و صاف و زلال بودن قلب و اندیشه خود، تحت تأثیر رفتار و روابط افراد مهم از رفتار باطنی و خالصانه و رفتار ظاهری قرار می‌گیرند. این تأثیر آنقدر زیاد است که با قاطعیت می‌توان گفت، مدیران و معلمان نمی‌توانند بدون تأثیر مثبتی که از طریق رفتار و روابط خود بر دانش‌آموزان می‌گذارند، در تغییر رفتار یا تعلیم و تربیت آن‌ها موفق شوند (MirKamali, 2018). مطابق با نظر (Liberante, 2012) روابط معلم-دانش‌آموز یکی از قوی‌ترین عناصر محیط یادگیری است. روابط معلم-دانش‌آموز پایه‌های بافت اجتماعی را که در آن یادگیری اتفاق می‌افتد را شکل می‌دهد و عامل اصلی است که بر توسعه دانش‌آموزان، درگیری در مدرسه و انگیزه تحصیلی آن‌ها تأثیر می‌گذارد (Hughes & Chen, 2011; Spilt, Koomen & Thijs, 2011; Roorda & et al, 2011). بسیاری از مطالعات مشخص کرده‌اند که ارتباط مثبت با معلمان رشد و پیشرفت دانش‌آموزان را ارتقا می‌بخشد (Hughes & Kwok, 2006). در مقابل، ارتباط منفی با معلمان از رشد و پیشرفت دانش‌آموزان ممانعت می‌کند (Birch & Ladd, 1997). روابط معلم-دانش‌آموز نقطه ورودی منحصربه‌فردی برای مربیان و معلمان فراهم می‌کند تا محیط یادگیری و اجتماعی کلاس درس را بهبود بخشند. هنگامی که کودکان به محیط مدارس رسمی وارد می‌شوند، ارتباط با معلم پایه و اساسی برای انطباق موفقیت‌آمیز با محیط اجتماعی و تحصیلی می‌شود (Hamre & Pianta, 2006). در تعریفی که (Cited in Mansoori Nezhad & Et al (2016) از ارتباط معلم و دانش‌آموز ارائه داده‌اند، دوستی (صمیمیت) در روابط معلم-دانش‌آموز بیانگر کیفیت مثبت ارتباط در روابط معلم-دانش‌آموز است (به عنوان مثال؛ احترام متقابل، مراقبت، محبت و گرمی بین معلم و دانش‌آموز)؛ در مقابل تعارض بالا بیانگر کیفیت پایین (منفی) ارتباط در روابط معلم-دانش‌آموز است (به عنوان مثال؛ کشمکش و حس سرخوردگی، یا خشم بین معلمان و دانش‌آموزان). اگر ارتباط نباشد، آموزش معنی ندارد. معلمان در همان آغاز کار، متوجه می‌شوند که یکی از اولین و مهمترین مسائل، نحوه برقراری ارتباط با دانش‌آموز است (Spalding, 1995). مسلم است که چگونگی کیفیت ارتباط معلم و دانش‌آموز تا حد زیادی روی یادگیری او تأثیر می‌گذارد. به عنوان دانش‌آموز، وقتی معلمان خود را دوست می‌داشتیم یا به آن‌ها عشق می‌ورزیدیم، در خواندن درس‌هایشان سعی و تلاش بیشتری می‌کردیم و بیشتر یاد می‌گرفتیم (Zandi, 2004). این مهم است که دانش‌آموزان نظر مثبتی نسبت به معلمانشان داشته باشند، چرا که رهبری معلمان در کلاس درس اثر زیادی در ایجاد محیط آموزشی مؤثر دارد و کیفیت رفتار میان فردی معلم و ارتباط با دانش‌آموزان نشانه‌ای است از کیفیت رهبری در کلاس درس. معلمان همیشه به قدری مشغول تدریس هستند که فرصتی برای مشاهده جزئیات صعود و نزول درگیری دانش‌آموز ندارند. رفتار میان فردی معلم و خوب بودن او جنبه‌های مهم از محیط کلاس

هستند. معلمان برای بهینه کردن شرایط محیط، می‌بایستی تلاش کنند تا محیط یادگیری قوی ایجاد کنند. ممکن است معلمان قادر به ایجاد محیط کلاسی مطلوب‌تری باشند؛ محیطی موافق که از طریق روابط میان‌فردی مثبت شناسایی شده باشد که در آن هر فردی احساس خوبی داشته باشد. دانش-آموزان معلمانی را ترجیح می‌دهند که گرم و دوستانه باشد. مهم‌تر از آن روابط مثبت معلم و دانش‌آموز که در آن معلمان از مهارت‌های خاصی استفاده می‌کنند، با واکنش‌های مثبت دانش‌آموزان به مدرسه و دستیابی‌های درسی بیشتر در ارتباط است. توانایی‌های معلم که توسعه، روابط انسانی صحیح با دانش‌آموزان را ممکن می‌کند و نیز ظرفیت او برای ایجاد کلاسی دموکراتیک و موافق، خصوصیت‌های مهمی برای تدریس کارآمد هستند (Shahorani & et al, 2010). روابط نزدیک با معلم‌ها، رشد اجتماعی-عاطفی سالمی را به وجود می‌آورد و همچنین منجر به سازگاری با مدرسه و موفقیت در مدرسه می‌شود و روابط منفی منجر به نتایج نامطلوب از جمله مسائل رفتاری، تنفر از مدرسه، مسائل سازگاری می‌شوند (Pianta, Nimetz & Bennett, 1997). نکته‌ی حائز اهمیت این است که پژوهش-هایی که اخیراً ارتباط دانش‌آموز-معلم را با خطر ترک تحصیل دانش‌آموزان در حال ورود به دوره دبیرستان بررسی کرده‌اند ارتباط مستقیمی بین ارتباط دانش‌آموز-معلم و خطر ترک تحصیل نیافته‌اند اما بین پیشرفت و عملکرد تحصیلی با ارتباط دانش‌آموز-معلم ارتباط قدرتمندی یافته‌اند (Lessard, Poirier & Fortin, 2010) تجربه هیجانانگیز مثبت نقش مهمی را در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ایفا کرده و تأثیرات قابل ملاحظه‌ای در موفقیت نهایی دانش‌آموز دارد.

به طور کلی، پژوهش در مدارس تأکید می‌کنند که ارتباط خوب و گفتگو بین معلم و دانش‌آموزان، آگاهی بیش‌تر از وضعیت دانش‌آموزان، نیازهایشان و پتانسیل‌هایشان را پرورش می‌دهد و همچنین امکانات را برای اهداف آموزشی فردی بهبود می‌بخشد (Berg, 2007; Cited in Ottosena, Goll & Sorlie, 2017). همچنین، ارتباط خوب معلم-دانش‌آموز رشد شخصی دانش‌آموزان و هویت‌یابی را تقویت می‌کند (Nordahl, 2010; Whannell & William, 2011) و خطر ترک تحصیل را هنگامی که دانش‌آموزان احساس می‌کنند که همکاری مشارکتی با معلم و مدرسه وجود دارد، کاهش می‌دهد (Christensson & Thurlow, 2004). ارتباط خوب معلم-دانش‌آموز برای دانش‌آموزانی که دارای جایگاه اقتصادی نامساعدی هستند، دانش‌آموزانی که از لحاظ تحصیلی دارای عملکرد پایینی هستند و دانش‌آموزانی که از لحاظ ناسازگاری تحصیلی در خطر هستند بسیار مهم می‌باشد. به منظور اینکه معلمان در بهترین موقعیت نسبت به نیازهای یادگیری دانش‌آموزان باشند، تأکید شده است که آن‌ها مجبورند توانایی مراقبت از دانش‌آموزان را از خود نشان دهند و اینکه آن‌ها به طور فعال و مشتاقانه‌ای به تدریس و یادگیری حمایتی متعهد هستند (Hattie, 2009). این دلالت می‌کند بر اینکه یک معلم

خوب توانایی سازگار شدن با دیدگاه هر یک از دانش‌آموزان را دارد و آموزش معنی‌دار را برای پیشرفت در یک موضوع خاص و در جهت تحقق اهداف برنامه هدایت می‌کند (Ottosena, 2017).

ارتباط معلم و دانش‌آموز یکی از اساسی‌ترین تعاملات بین فردی در مدرسه است. ارتباط معلم-دانش‌آموز نوعی ارتباط شناختی، رفتاری و هیجانی پایداری است که در طول تعاملات بلندمدت به تدریج بین دانش‌آموزان و معلمان شکل می‌گیرد و با رشد و پیشرفت دانش‌آموزان بسیار مرتبط است (Tengteng & Naiyi, 2013). در واقع روابط بین معلم و دانش‌آموز نه تنها در خدمت تحقق اهداف شخصی و اجتماعی خود را نیز تشخیص می‌دهند. با توجه به موقعیت و جایگاه آن‌ها در نظام آموزشی انتظار نوعی ارتباط خاص از آن‌ها می‌رود، این ارتباط مبتنی بر احترام، اعتماد، شناخت متقابل، نگرش مثبت به هم و ... است (Mohsenian Rad, 2018). برای مثال اگر معلم در کلاس درس طوری رفتار کند که آزادی نسبی و فرصت کافی در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد، تلاش، توانایی و حس اعتماد به نفس در آن‌ها تقویت می‌شود، و یا اگر تنها نظرات خودش را محور قرار دهد و با روحیه سلطه‌گری برخورد نماید، گرایش به سلطه‌گری را در دانش‌آموزان پرورش خواهد داد. (Giroux 1983) نیز سبک زبانی معلم و به کارگیری آن را از عناصر برنامه درسی پنهان به شمار آورده است (Cited in Hazeri & Rezapour, 2013).

روابط مثبت بین معلم-دانش‌آموز، که در آن سطوح بالای وابستگی غالب است، به عنوان یکی از دلایل اولیه ماندن معلمان در حرفه‌شان در نظر گرفته شده است (O'Connor, 2008; Veldman & et al, 2013) و یکی از مهم‌ترین منابع لذت از تدریس و انگیزش برای آن است (Hargreaves, 2000). از طرف دیگر، مشکل در روابط بین معلم-دانش‌آموز یا به عبارتی روابط مسئله‌دار بین معلم و دانش‌آموزان، که به صورت وجود تعارض و سطوح پایین وابستگی مشخص می‌شود، از دیدگاه معلمان به عنوان منابع استرس و عواطف منفی در نظر گرفته شده است (Yoon, 2002). به طور کلی، در بین محققان توافق و اجماع وجود دارد که شایع‌ترین منبع استرس کاری معلم در روابط فردی‌شان با دانش‌آموزان ریشه دارد (Friedman, 2006). روابط معلم-دانش‌آموز به حدی مهم است که نوجوانانی که قبل از اتمام دوران تحصیل عمومی یا متوسطه تصمیم به ترک تحصیل می‌گیرند، اغلب روابط منفی با معلمان و نادیده گرفته شدن خود توسط معلمان را دلیل ترک تحصیلشان ذکر می‌کنند (Hattam & Smith, 2003; Lumby, 2012; Duffy & Elwood, 2013). این بدان معنی است که کیفیت آموزش و پرورش در مدارس ابتدایی و پیش از متوسطه بسیار مهم است، چون دانش‌آموزان را برای چالش‌های علمی و اجتماعی که در مدارس متوسطه در انتظار آنهاست مهیا می‌سازند.

پژوهش‌های مختلفی در زمینه ارتباط معلم-دانش‌آموز انجام گرفته است. اُتوسن و همکاران (Ottoesena, 2017) در پژوهشی کیفی نشان دادند که بین روابط معلم- دانش آموز با متغیر ترک تحصیل دانش‌آموزان ارتباط معنادار وجود دارد. همچنین، آن‌ها اشاره می‌کنند که، راهنمایی بهتر در مورد انتخاب‌های تحصیلی، برنامه‌های مطالعه متناسب با علایق دانش‌آموزان و درگیر شدن فعال در این امر می‌تواند مانع ترک تحصیل شوند. نتایج پژوهش (Claessens & et al (2017) نشان دادند که معلمان، غالباً، کیفیت ارتباط را با سطح صمیمیت و همدلی (دوستانه در مقابل خصومت‌آمیز)، به جای سطح تسلط (در کنترل داشتن در مقابل عدم قدرت) تعریف می‌کنند. تجزیه و تحلیل رفتار دانش‌آموز و معلم یک الگوی تعاملی دوستانه را برای روابط مثبت و یک الگوی خصومت‌آمیز را برای روابط مشکل‌دار نشان داد. (Soo (2016 به بررسی دیدگاه معلمان در مورد روابط معلم-دانش‌آموز و مدیریت کلاس درس پرداخت. نتایج مصاحبه‌ها باعث شناسایی شدن چهار تم شد: ۱) ادراک مشارکت‌کنندگان از مدیریت کلاس درس مثبت شامل درگیر بودن و اشتیاق دانش‌آموزان در کلاس درس بود، که این خود از طریق کلاس درس فعال نمود پیدا می‌کرد؛ ۲) مشارکت‌کنندگان به اهمیت ارتباط با دانش‌آموزان هم در کلاس درس و هم خارج از کلاس درس تأکید کرده بودند؛ ۳) معلمان تشخیص می‌دهند که همدلی دانش‌آموزان نسبت به معلمان و همسالان آن‌ها نتیجه ساختن روابط قوی است؛ ۴) شرکت‌کننده‌ها از محدودیت‌ها و چالش‌های رویکرد ایجاد روابط در تحقق بخشیدن مدیریت کلاس در استفاده می‌کردند.

در پژوهشی (Biag (2014 کیفی نشان داد که در مناطق فقیرنشین و در خانواده‌های از لحاظ مالی و اجتماعی ضعیف، پیشرفت تحصیلی و نیز کسب رفتارهای جامعه‌پسند چندان مورد حمایت قرار نمی‌گیرد؛ وی در ادامه بر نقش معلمان و نیز کارکنان مدارس بر تعامل مثبت با این گروه از دانش‌آموزان جهت ارتقای مهارت‌های جامعه‌پسند و نیز پیشرفت تحصیلی تأکید می‌کند. (Knoell (2012 نشان داد که دانش‌آموزان درک مطلوبی از روابط خود با معلمان‌شان دارند و شخص معلم است که بر درک دانش‌آموزان از این روابط تأثیر دارد. از دیدگاه دانش‌آموزان ویژگی‌های معلم شامل: حس شوخ-طبعی؛ کمک مداوم (همراه با انتظارات بالا)؛ شنیدن فعال؛ ارزش قرار دادن برای گروه و فرد؛ گنجاندن بازی در یادگیری؛ و استفاده از تشویق کلامی و نوشتاری بودند. نتایج (Rabbani (2010 نشان داد که از نظر معلمان و دانش‌آموزان بین تحقیر دانش‌آموزان توسط معلم، اعمال رویه‌های انضباطی نامطلوب، مشارکت ندادن دانش‌آموز در فعالیت‌های کلاس و مدرسه، اقتدارگرایی معلم، برخورد جانبدارانه معلم و عدم رعایت تفاوت‌های فردی توسط معلم تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به اینکه دانش‌آموزان بخش زیادی از زمان حضور در مدرسه را در کلاس درس و با معلم سپری می‌کنند و بسیاری از مسائل به وجود آمده در ارتباط معلم و دانش‌آموز نیز در کلاس درس رخ می‌دهد، از معلمان می‌توان انتظار

داشت که به زیر و بم‌های مسائل آشنا بوده و از معلمان ابتدایی می‌توان انتظار داشت که مسائل ارتباط معلم و دانش‌آموز را درک و تجربه کرده باشند و بتوانند برای آن‌ها راه‌حل‌های مختلفی ارائه دهند. بنابراین هدف از انجام این پژوهش بررسی مسائل مربوط به روابط بین معلم و دانش‌آموزان و ارائه‌ی الگوی مناسب از دیدگاه معلمان می‌باشد. بنابراین، می‌توان گفت که روابط بین معلم - دانش‌آموز می‌تواند جنبه‌های گوناگونی داشته باشد و این روابط می‌تواند شامل روابط مطلوب و نامطلوبی باشد. از آنجایی که بیش‌تر مطالعات انجام شده در این حوزه به صورت کمی به روابط بین معلم و دانش‌آموز پرداخته‌اند، در این پژوهش می‌خواهیم با روش کیفی و به صورت عمیق به سؤال زیر پاسخ دهیم:

- از دیدگاه معلمان مؤلفه‌های مسائل روابط معلم-دانش‌آموزان کدامند؟

روش‌شناسی

باتوجه به عنوان و هدف پژوهش، این پژوهش دارای رویکرد کیفی و با روش پدیدارشناسی می‌باشد. پدیدارشناسی یکی از روش‌های تحقیق با رویکرد کیفی و دارای ریشه‌های فلسفی متمرکز بر تجارب زندگی انسان‌ها است. به بیانی ساده پدیدارشناسی توأمان فلسفه و روشی است که به بررسی ماهیت یا ذات پدیده‌ها می‌پردازد (Mohammadpur, 2014). پدیدارشناسی به مطالعه پدیدارها می‌پردازد، که در آن چگونگی پدیدار شدن پدیده‌ها برای افراد یا چگونگی تجربه کردن پدیده‌ها توسط افراد را مورد مطالعه قرار می‌دهد (Danaee Fard & Kazemi, 2012).

جامعه مورد مطالعه مدارس ابتدایی شهر سقز بود. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند و مشارکت‌کنندگان با روش گلوله برفی^۱ انتخاب شدند. در این پژوهش پس از بررسی نظرات ۱۲ معلم ابتدایی، که شامل ۶ معلم زن و ۶ معلم مرد می‌باشد، داده‌ها به حد اشباع رسیدند و عمل نمونه‌گیری ادامه نیافت. برای گردآوری داده‌های پژوهش از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته^۲ استفاده شد تا شرکت‌کننده دیدگاه خود را نسبت به موضوع، آن‌طور که تجربه کرده، با استفاده از زبان و لغات خود تشریح کند. به این منظور، یک پروتکل مصاحبه شامل سؤال‌هایی که مدنظر پژوهشگر بود تا از مصاحبه‌شونده پرسیده شود، آماده شد. علاوه بر پروتکل موجود مصاحبه‌گر سعی می‌کرد در جریان مصاحبه از سؤالات کاوشی از قبیل «مثال بزنید، می‌توانید بیش‌تر توضیح دهید، آیا منظورتان این است و...» استفاده کند. در شروع هر مصاحبه یا قبل از آن، شرکت‌کنندگان با هدف پژوهش آشنا شدند. در این پژوهش برای ارزیابی داده‌های پژوهشی، از معیارهای روایی (مصاحبه‌های مداوم و ارتباط مستمر با اطلاع‌رسان‌ها در طول زمان و مرور دست‌نوشته‌ها، مقوله‌ها و نتایج از جانب مشارکت‌کنندگان در

1 . Snowball

2 . semi-structured interview

پژوهش) و اعتبار^۱ (سعی شده است تا تمامی مراحل کار به روشنی بیان شوند تا امکان قضاوت توسط استاد راهنما و مشاور و همچنین جامعه علمی ذیربط فراهم شود) استفاده شد. داده‌های کیفی در این پژوهش در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی مورد تحلیل قرار گرفت (Creswell, 2018).

یافته‌ها پژوهش

با توجه به دیدگاه معلمان عوامل زیر به عنوان مؤلفه‌های مسائل روابط معلم-دانش آموز در کلاس درس شناسایی شدند:

الف) مدیریت کلاس درس: براساس دیدگاه مشارکت کنندگان پژوهش، در زمینه مسائل ارتباط معلم-دانش آموز عواملی وجود دارند که تحت عنوان مدیریت کلاس درس دسته‌بندی شدند این عوامل شامل: تبعیض قائل شدن بین دانش‌آموزان، نحوه اداره کلاس درس، روش‌های تدریس معلمان، توجه معلم به دانش‌آموز و وجود فاصله بین معلم و دانش‌آموز می‌باشند.

۱- تبعیض قائل شدن بین دانش‌آموزان: وجود تبعیض در کلاس درس می‌تواند مانعی در ارتباط مؤثر بین معلم و دانش‌آموز باشد. دانش‌آموزان در این سنین می‌توانند رفتار متفاوت معلمانشان را نسبت به آن‌ها یا سایر دانش‌آموزان تشخیص دهند. چنین رفتارهای تبعیض‌آمیزی می‌تواند باعث لج کردن دانش‌آموزان با معلم یا حتی رفتار نامناسب با دانش‌آموزی که معلم به دلایلی به او توجه بیش‌تری دارد می‌شود.

«من خودم نوهی یکی از همکارانمون دانش‌آموزم بود در کلاس نمی‌تونستم به هیچ یک از دانش‌آموزا چیزی بگم فوراً برمی‌گشتن می‌گفتن خانم معلم شما به فلانی هیچی نمی‌گید فقط به ما می‌گید چون اون دختر خانم مدیره. طوری شده بود که با این دانش‌آموز لج کرده بودن و ازش خوششون نمی‌اومد فقط به خاطر اینکه فکر می‌کردن که چون اون نوه خانم مدیره برخورد من با هاشون متفاوت» (م.ش، ۱۰).

۲- نحوه اداره کلاس درس: از دیدگاه معلمان نحوه اداره کلاس درس معلم می‌تواند در ارتباط بین معلم و دانش‌آموز مشکل ایجاد کند. چنانچه معلم در کلاس خود و در ارتباط با دانش‌آموزان دارای سبک مدیریت کلاس نباشد و برای او مشخص نباشد از چه سبک مدیریت کلاسی استفاده می‌کند، باعث سردرگمی و ابهام در رابه با دانش‌آموزانش می‌شود. این امر باعث می‌شود که معلم یا از سبک‌های سخت‌گیرانه برای کنترل و ایجاد نظم و انضباط در کلاس درس استفاده کند و یا به دانش‌آموزان بی‌توجهی نشان دهد.

«بعضی از معلمان هستند که دانش آموزان در کلاسشون اجازه هیچ کاری ندارن، با کوچک-ترین حرکتی با اونها برخورد همیشه. این معلمان به شدت سخت‌گیرن و نحوه ارتباط با دانش آموزان رو یاد نگرفتن. بالعکس این معلمان هم وجود داره. معلمانی که کلاً بی-خیال کلاس میشن و دانش آموزان رو به حال خودشون رها می‌کنن، بعد خودشون یا سرشون تو گوشیه یا میرن بیرون کلاس و با همکاران دیگه صحبت می‌کنن» (م.ش، ۱).

۳- روش‌های تدریس معلمان: عدم استفاده از روش‌های فعال تدریس و مشارکت ندادن دانش آموزان در فرایند تدریس و استفاده از روش‌های سنتی در تدریس می‌تواند از مسائل روابط معلم-دانش آموز در کلاس درس باشد. این امر باعث می‌شود که معلمان از توجه به حل مسئله نیز غافل شوند. هم‌چنین، معلمان اشاره می‌کنند که عدم توجه به فرایندها و نتایج تدریس از طرف برخی از معلمان باعث می‌شود که ارتباط بین معلم به خوبی شکل نگیرد.

«متأسفانه در بین ما معلمان چون تنها یاد گرفتیم تدریس کنیم و کاری به فرایند و در نهایت نتایج کارمون نداشته باشیم بعدها هم اگه کسی از ما پرسید که چرا فلان دانش آموز خوب نشده معلم میگه من که کار خودم رو کردم و زحمت خودم رو کشیدم و خود دانش آموز درسش رو نخونده ... اگر دانش آموز به سمت حل مسئله نره مشکل به وجود میاد، اگر دانش آموز رو در کل فرایند تدریس شریک نکنیم و اونو گوشه‌ای بزاریم و کاری باهاش نداشته باشیم بازم مشکل به وجود میاد» (م.ش، ۱۲).

۴- توجه معلم به دانش آموز: از دیدگاه معلمان توجه به نیازهای دانش آموزان از دیگر مسائل ارتباط معلم و دانش آموزان است. اینکه معلم در زمان مواجهه دانش آموز با مشکل نتواند مشکل را تشخیص دهد و به حل آن بپردازد، موجب می‌شود در دانش آموز این احساس به وجود بیاید که معلم به او توجهی ندارد و نمی‌تواند در مواقع ضرورت به او کمک کند و در نتیجه دانش آموز در ارتباط با او احساس دل‌سردی می‌کند. معلم تنها وظیفه خود را این می‌داند که در کلاس درس حاضر شود و مطالبی را که در کتاب‌های درسی آمده است را به دانش آموزان ارائه دهند، خواه آن‌ها یاد بگیرند خواه یاد نگیرند؛ انگیزه داشته باشند یا نداشته باشند و ... از این رو خود را مسؤل یادگیری و یا عدم یادگیری دانش آموزان نمی‌دانند و معتقدند که آن‌ها کار خود را انجام دادند و این دانش آموز است که کم کاری کرده است.

«یکی از اساسی‌ترین مسائل اینه که معلم خود رو مسئول مسائلی نمیدونه که در کلاسش وجود داره تنها به صرف اینکه تدریسش رو انجام داده به دانش‌آموز پشت می‌کنه و فکر میکنه که تمومه و کار دیگه‌ای لازم نیست انجام بده» (م.ش، ۱۲).
مصاحبه شونده شماره ۱ نیز «عدم توجه به نیازهای دانش‌آموزان» و «تشخیص ندادن به موقع مشکل دانش‌آموزان و حل نکردن به موقع آن» را از موانع ارتباط معلم و دانش‌آموزان می‌داند.

۵- **وجود فاصله بین معلم و دانش‌آموز:** گاهی اوقات دانش‌آموز و معلم در برقراری ارتباط با هم تعارف می‌کنند و یا مقاومت نشان می‌دهند. این مقاومت و تعارف بین معلم و دانش‌آموز باعث می‌شود به برقراری ارتباط معلم و شاگردی در کلاس درس ضربه وارد شود و از یک طرف، معلم از دانش‌آموزانش شناخت کافی پیدا نمی‌کند و از طرف دیگر دانش‌آموز نمی‌تواند خود را در کلاس نشان دهد و یا خودش را برای معلم بیان کند. مصاحبه شونده شماره ۱ «نبود ارتباط دوستانه بین معلم و دانش‌آموز» را به عنوان یکی از مسائل روابط معلم و دانش‌آموز ذکر می‌کند.

«چند سال قبل دانش‌آموز کلاس اولی داشتیم که یک ماه تمام نه اون به من جواب داد و نه من به حرف او گوش می‌کردم، به طوری که حتی مداد هم دستش نمی‌گرفت خیلی دلسرد بود تا اینکه یک روز، که می‌تونم بگم شانس بود، خود به خود بی‌اینکه من بفهم مدادش رو گرفته بود دستش و خط کوچکی کشید. منم همین که این خط کوچک رو دیدم اونو خیلی تشویق کردم و بهش گفتم که تو این خط رو کشیدی و چطوری کشیدی و از این حرفا. این حرفا رو خیلی دوست داشت و گفت این که چیزی نیست یکی دیگه هم می‌کشم، کم‌کم علاقه پیدا کرد» (م.ش، ۶).

جدول ۱: کدهای مسائل روابط معلم-دانش آموز با توجه به مدیریت کلاس درس معلمان (منبع: یافته‌های پژوهش)

کدهای باز	کد محوری	کد انتخابی
تفاوت قائل شدن بین دانش آموزان؛ تبعیض بین دانش آموزان؛ برخورد و رفتار متفاوت با دانش آموزان	تبعیض بین دانش آموزان	
نبودن مدیریت معلم در کلاس درس؛ برقراری نظم و انضباط در کلاس درس؛	نحوه اداره کلاس درس	
توجه نکردن به حل مسئله دانش آموزان؛ عدم مشارکت دانش آموزان در فرایند تدریس؛ عدم توجه به فرایند و نتایج تدریس از طرف معلم؛ عدم مسئولیت پذیری معلم برای یادگیری دانش آموزان؛	سیک‌های تدریس معلم	مدیریت کلاس درس
عدم توجه به نیازهای دانش آموزان؛ عدم توجه به دانش آموزان؛ عدم توجه به روحیات دانش آموزان؛ تشخیص ندادن به موقع مشکل دانش آموزان و حل نکردن به موقع آن؛	توجه معلم به دانش آموز	
نبود ارتباط دوستانه بین معلم و دانش آموز؛ عدم علاقه معلم و دانش آموز به برقراری ارتباط؛ عدم ارتباط صمیمی بین معلم و دانش آموز؛	وجود فاصله بین معلم و دانش آموزان	

ب) فضای فیزیکی و آموزشی: براساس دیدگاه مشارکت کنندگان پژوهش، در زمینه مسائل ارتباط معلم-دانش آموز عواملی وجود دارند که تحت عنوان فضای فیزیکی و آموزشی دسته‌بندی شدند. این عوامل شامل مناسب نبودن منابع آموزشی و فضای فیزیکی کلاس درس می‌باشند.

۱- مناسب نبودن منابع آموزشی: مناسب نبودن منابع آموزشی از جمله عوامل مختل

کننده ارتباط بین معلم و دانش آموز در نظر گرفته می‌شود که خود می‌تواند شامل موارد بسیاری باشد. از نظر برخی از معلمان حجم زیاد کتاب‌های درسی مانع از برقراری ارتباط بین معلم و دانش آموز می‌شود. معلم تنها در فکر این است که در زمان مقرر کتاب‌ها را به پایان برساند و دانش آموز هم در تلاش برای به یادسپاری و حفظ مطالب درس داده شده از طرف معلم است. این مسئله باعث می‌شود معلمان برای انجام فعالیت‌های کلاسی و ارتباط با دانش آموز با کمبود وقت مواجه شوند. کمبود وقت در مدارس به دلیل حجم زیاد کتاب‌های درسی مانع ارتباط گرم و صمیمانه دانش آموزان و معلم

می‌شود. به طوری که معلم تنها در فکر اتمام کتاب‌های درسی است. معلم و دانش‌آموز برای برقراری ارتباط به زمان نیاز دارند. همچنین، ساختار مرکز بودن کتاب‌های درسی و توجه نکردن به مناطق مختلف و شرایطی که در آن قرار دارند از عواملی بود که معلمان به آن اشاره کردند.

«یکی از مسائل اینه که واقعاً لازم نیست درسی مثل فارسی ۱۷ درس باشه چون واقعاً زیاده. اینا بشن مثلاً ۱۲ درس ولی گسترده. باید دانش‌آموزا درس‌ها رو عمقی یاد بگیرند» (م.ش، ۲).

«به دلیل حجم زیاد کتاب‌ها و تعداد زیاد دانش‌آموزان ما وقت این رو نداریم که با همه دانش‌آموزان ارتباط برقرار کنیم» (م.ش، ۴).

مصاحبه شونده شماره ۱۱ به «حجم کتاب‌های درسی و کمبود زمان برای تدریس مرکز محور بودن منابع آموزشی» اشاره می‌کند:

«محتوای کلاس از بالا میاد، که دارای ۱۴۰ - ۱۵۰ صفحه هست بدون اینکه مدارس حاشیه‌ای رو در نظر بگیره و برای کل ایران یک نوع کتاب میاد» (م.ش، ۱۱).

«کتاب‌های درسی هم زمانی که ساختار مرکز هستند یعنی از مرکز برایش برنامه ریزی میشه و هیچ توجهی به بومی‌سازی نشده و دانش‌آموزی که در مناطق کردنشین هست همان چیزی رو می‌خونن که در تهران خونده میشه و شرایط یک دانش‌آموز کرد نسبت به دانش‌آموزی که تهران هست در نظر گرفته نشده می‌تونه این مسائل برگرده به کتاب درسی، ساختار متمرکز و ...» (م.ش، ۱۲).

۲- فضای فیزیکی کلاس درس: فضای فیزیکی کلاس درس از جمله عوامل دیگری بود

که معلمان آن را در روابط خود با دانش‌آموزانشان به عنوان یک مشکل در نظر می‌گرفتند. مشکل کمبود فضا از جمله مسائلی است که معلمان در ارتباط خود با دانش‌آموزان به آن اشاره می‌کنند. کمبود فضا و وسایل باعث می‌شود آن‌ها نتوانند مطالب درسی را با زندگی واقعی دانش‌آموزان مرتبط کنند. همچنین، بودجه‌بندی کتاب‌های درسی را نیز از جمله مسائل دیگر در ارتباط معلم و دانش‌آموز ذکر می‌کنند که این بودجه‌بندی نیز باعث می‌شود که بین زمان و مکان تدریس با آنچه در واقع در آن قرار دارند ارتباط برقرار نشود و همین باعث می‌شود که خیلی مواقع دانش‌آموز از درک مفاهیم موجود در کتاب‌ها عاجز شود. چنانچه یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان اشاره می‌کند باید از یادگیری زمینه-محور استفاده کرد.

مصاحبه شونده شماره ۳ در ارتباط با «نبود فضای فیزیکی مناسب کلاس و وسایل آموزشی کافی برای آموزش و زمینه-محور نبودن درس‌ها» بیان می‌کند:

«برای درسی مثل علوم نه فضای مناسبی داریم، نه باغچه آنچنانی داریم، نه وسایلی کافی داریم. در درس علوم مثلاً من هر چه برایشون توضیح بدم که زمین اینجوریه، گندم باید اونجوری باشه، آب بهش میدن زیاد فایده نداره ... باید دانش‌آموزان رو ببریم به سر زمین. باید معلم به صورت اختیاری فصل‌ها رو تدریس کند طبق اون دستور العملی که فرستادن (بودجه‌بندی) نباید باشه. مثلاً فصل مربوط به برداشت گندم رو می‌شه قسمتیش رو در مهر و آبان تدریس کرد و بخشیش رو هم که مربوط به کاشت هست رو دانش‌آموزان رو به مزارع ببریم. زمانی که گندم رو به شکل خام و برداشت شده می‌بینند به یک نانوایی و بربری پزی برن و معلم برایشون توضیح بده که این همون آرده» (م.ش، ۳).

مصاحبه شونده شماره ۴ به «تعداد زیاد دانش‌آموزان و نبود فضای کافی کلاس» اشاره می‌کند:

«ما وقت این رو نداریم که با همه دانش‌آموزان ارتباط برقرار کنیم چون استاندارد یک کلاس ۱۷، ۱۸ نفره ولی متأسفانه کلاس‌های ما به صورتی نیستن که بتوانیم با همه دانش‌آموزان ارتباط برقرار کنیم» (م.ش، ۴).

جدول ۲: کدهای مسائل روابط معلم-دانش‌آموز با توجه به فضای فیزیکی و آموزشی (منبع: یافته‌های پژوهش)

کدهای باز	کد محوری	کد انتخابی
حجم زیاد کتاب‌های درسی؛ کمبود وقت؛ کمبود زمان برای تدریس؛ توجه کم‌تر به کتاب‌های درسی؛ ساختار مرکز بودن کتاب‌های درسی؛	مناسب نبودن منابع آموزشی	فضای فیزیکی و آموزشی
کمبود فضای فیزیکی مدارس؛ نبود وسایل کافی برای آموزش؛ تعداد زیاد دانش‌آموزان؛ عدم زمینه-محور بودن درس‌ها؛	فضای فیزیکی نامناسب کلاس درس	

ج) **مسائل فردی دانش آموزان:** براساس دیدگاه مشارکت کنندگان پژوهش، در زمینه مسائل ارتباط معلم-دانش آموز عواملی وجود دارند که تحت عنوان مسائل فردی دانش آموزان دسته بندی شدند. این عوامل شامل نبود انگیزه در دانش آموزان و اعتماد به نفس پایین دانش آموزان نمی باشند.

۱- **نبود انگیزه در دانش آموزان:** از جمله مسائلی که همیشه گریبان گیر نظام های آموزشی بود نبوده انگیزه دانش آموزان بوده است. این انگیزه از رفتن به مدرسه تا پیشرفت تحصیلی را شامل شده و پژوهش های گوناگونی برای بررسی انگیزه دانش آموزان انجام گرفته است. وقتی دانش آموز برای رفتن به مدرسه انگیزه نداشته باشد و مدرسه را به عنوان مکانی که باید به زور و اجبار ساعتی از طول روز خود را در آن صرف کند، انگیزه ای هم برای برقراری ارتباط با معلم خود نخواهد داشت.

«روز اولی که من آمدم اینجا یکی دو تا از دانش آموزان می گفتند ای خدا دوباره مدرسه شروع شد. دانش آموزا زدن از مدرسه و مدرسه مکان ناخوشایندی شده برای اونها و دوست ندارن برن مدرسه» (م.ش، ۳).

۲- **اعتماد به نفس پایین دانش آموزان:** کمرو بودن و عدم اعتماد به نفس دانش آموزان در کلاس درس و مدرسه باعث گوشه گیر شدن آن ها می شود و مانع شکل گیری ارتباط آن ها با معلم شان می شود. مصاحبه شونده شماره ۲ در ارتباط با کمرو بودن دانش آموزان و اینکه چطور به آن ها کمک کرده است اشاره می کند:

«دو تا دانش آموز داشتم که واقعاً نمی تونستن در کلاس صحبت کنند واقعاً کمرو بودن، می اومدن پای تخته به حدی استرس داشتن که نمی تونستن وایسن و حتماً باید بیرون می رفتن. قبلاً یه گوشه می نشستن و اصلاً حرف نمی زدن. باباش اومد و گفت پسر رو نبر پای تخته استرس داره» (م.ش، ۲).

مصاحبه شونده شماره ۷ در زمینه گوشه گیری و کمرو بودن دانش آموزان نمونه ای از تجربه خودش را می آورد:

«یه بار رفتم توی حیاط مدرسه دیدم یکی از دانش آموزام یه گوشه کز کرده و تنها نشسته. رفتم پیشش و گفتم چیه چی شده دخترم چرا تنها اینجا نشستی؟ گفت خانم معلم بچه ها بهم میگن تو زشتی (یه طرف چشمش سوخته بود)» (م.ش، ۷).

جدول ۳: کدهای مسائل روابط معلم-دانش آموز با توجه به مسائل فردی دانش آموزان (منبع: یافته‌های پژوهش)

کدهای باز	کد محوری	کد انتخابی
نبود انگیزه در دانش آموزان برای رفتن به مدرسه؛ کم‌رو بودن و عدم خودپنداره دانش آموزان؛ اعتماد به نفس پایین دانش آموزان؛	انگیزه پایین دانش آموزان اعتماد به نفس پایین دانش آموزان	مسائل روانی دانش آموزان

د) مسائل مربوط به والدین: براساس دیدگاه مشارکت کنندگان پژوهش، در زمینه مسائل ارتباط معلم-دانش آموز عواملی وجود دارند که تحت عنوان مسائل مربوط به والدین دسته‌بندی شدند. این عوامل شامل روابط مدرسه و خانواده، انتظارات، باورها و دخالت‌های والدین در کار معلم و پیش‌داوری‌ها و افت جایگاه معلم می‌باشند.

۱- روابط مدرسه و خانواده: عدم ارتباط بین خانواده و مدرسه نیز می‌تواند جو سرد و بی‌رویی را در بین دانش آموزان و معلمان ایجاد کند. شناخت والدین دانش آموزان و همکاری و برگزاری جلسات پیوسته برای حل مسائل و تقویت نقاط قوت دانش آموزان می‌تواند ارتباط بین معلم و دانش آموزان را صمیمی و گرم کند.

مصاحبه شونده شماره ۳ در زمینه عدم ارتباط مناسب بین اولیا و مدرسه اشاره می‌کند:

«به نظرم هر ماه یا اگر هر ماه زیاد حداقل هر فصل یک بار برای اولیا کلاس برگزار کنیم. جلسه اولیا و مربیان یک بار بوده که اون هم ارتباطی به من نداره نه من اونا رو می‌شناسم و نه اونام دانش آموزای من رو. منظور مصاحبه شونده دانش آموزان کلاس خودش است. قبلاً دو گروه بود کلاس دانش آموزای قبول و ردی ولی الان چهار گروه است باید در ارتباط با هر گروه با والدین آن‌ها جلسه برگزار شود تا هم معلم و هم والدین وظایف خودشان را بدانند. والدین چه چیزی می‌خواهند از من ... ارتباط بین اولیا و مربیان و مدرسه صفره» (م.ش، ۳).

مصاحبه شونده شماره ۲ در ارتباط با ناآگاهی و عدم هماهنگی بین مدرسه و خانواده بیان می‌کند:

«در این مدرسه جلسه‌ای برای این کار برگزار نشده و من به عنوان اولین سال در این مدرسه نمی‌دونستم و کسی هم منو راهنمایی نکرد و بهم بگن که از همون اول که اومدی سرکار برای والدین جلسه بنذار» (م.ش، ۲).

۲- انتظارات، باورها و دخالت‌های والدین در کار معلم: والدین به عنوان کسانی که

فرزندانشان را در اختیار مدارس قرار می‌دهند تا به آموزش و پرورش آن‌ها بپردازند، همیشه نسبت به تربیت فرزندان‌شان نگرانی‌ها و دلوایسی‌هایی دارند و انتظارات زیادی از دانش‌آموزان و معلمان دارند. از طرف دیگر، برخی از خانواده‌ها با توجه به بافت و زمانی که خود در آن درس خوانده هنوز به آن شیوه‌ها اعتقاد داشته و بر این باورند که شیوه‌هایی که معلمان در زمان آن‌ها برای تدریس و تربیت آن‌ها به کار می‌گرفته، نسبت به آنچه معلمان مورد استفاده قرار می‌دهند، اثربخش‌تر بوده است. از این رو، از دیدگاه معلمان پژوهش مقاومت والدین برای به کارگیری روش‌های جدید و خلاقانه تدریس، انتظار بیش از حد والدین از دانش‌آموزان، داشتن دیدگاه سنتی وادیندر مورد درس و مدرسه، دخالت والدین در حوزه تخصصی معلمان و عدم تمایز بین دخالت و مشارکت از طرف والدین باعث به وجود آمدن مسائلی در روابط معلم و دانش‌آموز می‌شود.

مصاحبه شونده شماره ۳ در زمینه مقاومت والدین برای به کارگیری روش‌های جدید و خلاقانه در تدریس اشاره می‌کند:

«معلم به نظر من باید هنرمند باشد چه مشکلی دارد آواز بخواند، چه مشکلی دارد وقتی حروف الفبا رو به دانش‌آموزان یاد میده تنبک کوچکی داشته باشد و با ضرب‌های آن حروف را به آن‌ها یاد دهد. مثل امروز بارون می‌اومد می‌شد شعر و آواز بارون رو خوند ... ولی خانواده‌ها هم در این زمینه مقاومت می‌کنند و فکر می‌کنند بچه‌هایشان آوازخوانی یاد می‌گیرند نه درس. دانش‌آموز باید نقاشی کند، آواز بخواند، تقلید کند تا جرأت پیدا کند به کلاس‌های بالاتر برود» (م.ش، ۳).

مصاحبه شونده شماره ۲ در ارتباط با انتظار بیش از حد والدین بیان می‌دارد:

«خانواده‌ها میان دیگه نمیگن این دانش‌آموزا کلاس دوم هستن و انرژی دارن و باید تخلیث کنه. در منزل دانش‌آموزا حوصله ندارن درس بخونن میان میگن چرا امروز تکلیف ندارن چرا بهشون درس ندادین. درحالی که نمی‌دونن دانش‌آموز کلاس دو ۱۰ دقیقه بیشتر مغزش نمی‌کشه» (م.ش، ۲).

مصاحبه شونده شماره ۱۲ در ارتباط با دخالت والدین در حوزه تخصصی معلمان و عدم تمایز دخالت و مشارکت توسط اولیا بیان می‌دارد:

«ما باید دخالت والدین رو از مشارکت والدین جدا کنیم، مشارکت چیزیه و دخالت کردن در کار معلم چیز دیگه‌ای هست. من به عنوان یک متخصص اجازه نمی‌دم

هیچ‌کس در کارم دخالت کنه ولی مشارکت لازمه و من بدون مشارکت والدین نمی‌تونم دانش‌آموزان رو خوب تربیت کنم. در قسمت تخصص معلم کلاس خودشه و بهتر می‌تونه مسائل رو حل کنه ولی در حوزه مشارکت حضور والدین لازمه، در بعضی بخش‌ها والدین فرزند خودشون رو بهتر می‌شناسن، همه کارشن، می‌تونه با معلم همکاری کنه، من برنامه‌ای دارم در کلاس تنهایی نمی‌تونم اجراش کنم، والدین فرزندشون رو در خونه بهتر می‌شناسن» (م.ش، ۱۲).

۳- پیش‌داوری‌ها و افت جایگاه معلم: یکی از مسائلی که معلمان در ارتباط معلم و دانش‌آموز به آن اشاره می‌کنند خاطراتی است که والدین از دوران مدرسه خودشان برای فرزندانشان تعریف می‌کنند. خاطراتی که آن‌ها اغلب تعریف می‌کنند به اذیت کردن معلم و کارهایی است که به سر معلم در آورده‌اند و این خیلی اوقات اسباب خنده را فراهم می‌کند. به نظر این معلمان تعریف این خاطرات سبب می‌شود دانش‌آموزان نیز به دنبال ایجاد خاطره‌ای در کلاس هستند که در آینده برای دوستان و یا فرزندان خود تعریف کنند. همچنین، امروزه با توجه به مسائل اقتصادی که در کشور وجود دارد و با توجه به این تفکر که دانش‌آموز باید درس بخواند تا کاره‌ای شود، باعث شده اولیا نسبت به درس خواندن فرزندانشان انگیزه‌ی آنچنانی نداشته باشند و به مقایسه فرزندان خود با کسانی که در خوانده‌اند و بیکار هستند می‌پردازند.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ در این زمینه بیان می‌کند:

«وقتی اولیا خاطره‌ای رو تعریف می‌کنن از دوران مدرسه خودشون معمولاً خاطرات منفی رو تعریف می‌کنن این خاطرات منفی که برای فرزندانشون تعریف می‌کنند در ذهن آن‌ها ملکه می‌شه به عنوان اینکه اگر منم امروز پیام معلم رو اذیت کنم به خاطره‌ای تبدیل میشه که منم برای فرزند خودم تعریف کنم. پس اولیا در روابط دانش‌آموز و معلم خیلی تأثیر دارن. اگه اونا خوبی کلاس رو بگن، استفاده مثبت کلاس رو بگن، دانش‌آموز هم جلب روابط مثبت معلم و شاگرد میشه ولی اگه ویژگی‌های منفی کلاس رو بگن به بچه‌هاشون تأثیر منفی دارد در اونها» (م.ش، ۱۱).

جدول ۴: کدهای مسائل روابط معلم-دانش آموز با توجه به مسائل مربوط به والدین (منبع: یافته‌های پژوهش)

کد انتخابی	کد محوری	کدهای باز
	روابط مدرسه و خانواده	ناآگاهی و عدم هماهنگی بین مدرسه و خانواده؛ عدم ارتباط مناسب بین اولیا و مدرسه؛
مسائل مربوط به والدین	عدم آگاهی والدین از فرایند صحیح آموزش	مقاومت والدین برای به کارگیری روش‌های جدید و خلاقانه تدریس؛ انتظار بیش از حد والدین از دانش‌آموزان؛ داشتن دیدگاه سنتی والدین در مورد درس و مدرسه؛ دخالت والدین در حوزه تخصصی معلمان؛ عدم تمایز بین دخالت و مشارکت در بین اولیا؛
	پیش‌داوری‌های والدین از معلم و مدرسه	پیش‌زمینه‌های ذهنی دانش‌آموزان به توجه به تجربه‌هایی که والدین از مدرسه تعریف می‌کنند؛ دل‌سردی والدین نسبت به درس خواندن فرزندان‌شان؛

ه) مسائل مربوط به معلم و کادر مدرسه: براساس دیدگاه مشارکت‌کنندگان پژوهش، در زمینه مسائل ارتباط معلم-دانش‌آموز عواملی وجود دارند که تحت عنوان مسائل مربوط به معلم و کادر مدرسه دسته‌بندی شدند. این عوامل شامل کمبود دانش و تجربه معلم، مسائل فردی معلم و عدم هماهنگی بین معلم و کادر مدرسه می‌باشند.

۱- کمبود دانش و تجربه معلم: برخی از مسائل روابط معلم و دانش‌آموز به کمبود دانش و تجربه معلمان در برخورد با دانش‌آموزان است. از دیدگاه معلمان عدم آشنایی معلمان با اصول روانشناسی، بی‌تجربگی معلمان، عدم وجود دوره‌های روابط انسانی برای دانشجو-معلمان، کمبود کتاب و منابع آموزشی در زمینه روابط معلم و دانش‌آموز، احساس عدم نیاز به کمک در جهت ایجاد ارتباط درست با دانش‌آموزان در معلمان و نداشتن طرح درس و یا پروژه از طرف معلمان از جمله مسائل روابط معلم و دانش‌آموز می‌باشند.

مصاحبه شونده شماره ۷ در زمینه بی‌تجربگی خود در برخورد با یک دانش‌آموز بیان می‌کند:

«من اولین سال کارم در روستایی بودم. دانش‌آموزی داشتم که وسایل بچه‌های دیگه رو برمی داشت و به هیچ وجه نمی‌تونستم کنترلش کنم. یه روز دانش‌آموزام اومدن گفتن خانم معلم ن. مداد یکی از دانش‌آموزا رو برداشت و فرار کرد، ما هم دنبالش کردیم تا پشت خونه‌شون. منم در این موقعیت نمی‌دونستم چکار کنم والدینش رو خبر کردم. یکی از والدینش اومد گفت که دیگه نمی‌ذارم بیاد مدرسه. هرچی بهش

گفتم که این کار لازم نیست هیچ فایده‌ای نداشت و گفت الا و بلا باید ترک تحصیل کنه. دانش‌آموز کلاس اولم ترک تحصیل کرد» (م،ش، ۷).

مصاحبه شونده شماره ۱۱ در ارتباط با عدم وجود دوره‌های روابط انسانی برای دانشجوی-معلم و کمبود منابع آموزشی و اثرات و عواقبی که اشکال در روابط معلم و دانش‌آموز به بار می‌آورد بیان می‌دارد:

«در مراکز که تربیت معلم و یا مراکز که در حال حاضر به استخدام معلم مشغولند، ظلم زیادی در حق بچه‌های مردم میشه. دوره‌های روابط انسانی برای دانشجو-معلم خیلی لازم است و این مسئله در آموزش و پرورش خیلی کمه. اصلاً دوره‌ای نداریم که برخورد معلم با دانش‌آموزانش چگونه باشه. کتاب‌هایی که در این زمینه نوشته باشند خیلی کمه، منابع آموزشی در این زمینه خیلی کمه یا معلما احساس می‌کنن خودشون علامه دهن، احساس نیاز نمی‌کنن نسبت به این امر، در صورتی که جزء ضروریات هست که ما معلممون رو وادار کنیم که یا تشویقشون کنیم به اینکه مطالعه کنن و روش‌های خاص یاد بگیرند، تجربیات همدیگرو بخونن، مطالعاتشون زیاد بشه در این زمینه قطعاً کمک می‌کنه به آموزش و پرورش کشورمون» (م،ش، ۱۱).

۲- مسائل فردی معلم: مسائل فردی معلم نیز از جمله عواملی است که روابط معلم و دانش‌آموز را تحت تأثیر قرار می‌دهد. امروزه در کشوری مانند ایران جایگاه معلم نسبت به آنچه قبلاً بوده و آنچه در کشورهای پیشرفته وجود دارد، از جنبه‌های گوناگونی دست‌خوش تغییر شده است. از طرف دیگر، دلسردی معلم که بیش‌تر ناشی از مسائل معیشتی است باعث می‌شوند که معلم تمرکزش را به جای اینکه روی تدریس و آموزش و ارتباط با دانش‌آموزانش صرف کند در شغل دوم و انجام کاری غیر از مدرسه صرف کند.

مصاحبه شونده شماره ۱۲ در این زمینه اشاره می‌کند:

«قبل از هر چیز ارتباط تکریم و بزرگی شخصیت معلمه. وقتی که آموزش و پرورش خودش نتونه این کار رو بکنه معلمان دچار افت تکریم و افت شخصیت می‌شن و از لحاظ معیشتی نیز این خیلی آشکاره. وقتی که معلم معیشتش در حد خیلی بدی باشه در فکر راه دومی هست برای گذران زندگی و آموزش و معلمی در اولویت دوم قرار می‌گیره و این کم‌کم باعث ایجاد مشکل میشه و معلومه که از این لحاظ چند سالی هست که در ساختار نظام آموزشی این مسائل دارای وضوح بیش‌تری است».

«مشکل دیگه‌ای که هست اینه که خود معلمان از لحاظ معیشتی دارای مشکل هستند از این رو معلمی که خودش مشکل داره معلومه که در کلاس درس هم خلاق نیست، حوصله کلاس رو نداره، فکرش توی گوشیشه، در بازار کسب و کاره و پیش کار دومی است که احتمالاً داره. اینا همه مشکل ساز هستند، باعث چالش بزرگی میشن و در این میان دانش‌آموزان دچار افت شدید میشن» (م.ش، ۱۲).

مصاحبه شونده شماره ۴ به مسائل معیشتی معلمان اشاره می‌کند:

«معلمی علاقه است، یعنی اگر علاقه نداشته باشی سخت‌ترین شغله، ولی اگر علاقه داشته باشی لذت بخش‌ترین شغله. یعنی معلم داریم پنجشنبه و جمعه ناراحت و در فکر مدرسه و کلاسه واقعاً باید علاقه داشته باشی تا بتوانی معلم موفق باشی. در پایان هم آرزو می‌کنم که جو و فضایی از هر نظر از لحاظ معیشتی و مالی فراهم بشه که واقعاً بتونه معلم باشه و با علم و آرامش مطالعه کنه و بره سره کلاس و جوابگوی دانش‌آموزان باشه چون واقعاً تأثیرگذاره» (م.ش، ۴).

۳- عدم هماهنگی بین معلم و کادر مدرسه: عدم هماهنگی بین معلمان و عوامل اجرایی

و حتی معلمان باعث می‌شود معلمان نتوانند نسبت به دانش‌آموزان و مسائل و خصوصیات آن‌ها شناخت داشته باشند. همچنین، برخی از معلمان معتقدند مه عدم ارتباط بین پایه قبلی و فعلی دانش‌آموزان می‌تواند کار را برای معلم جدید مشکل کند و او نتواند دوباره از اول به شناسایی نقاط قوت و ضعف دانش‌آموزان بپردازد، که این می‌تواند ناشی از عدم ارتباط بین معلمان سال‌های قبل و یا ارائه اطلاعات لازم در مورد دانش‌آموزان برای پایه‌های بالاتر باشد.

مصاحبه شونده شماره ۴ در زمینه عدم هماهنگی بین عوامل اجرایی و آموزشی بیان می‌کند:

«به نظرم باید هماهنگی‌هایی بین عوامل اجرایی و آموزشی وجود داشته باشه برای شناخت، هرچند وجود داره، ولی دبیر یا معلم هم حضور داشته باشه و اطلاع داشته باشه از پرورش هر دانش‌آموز اینکه دارای چه خصوصیاتیه، از چه خانواده‌ایه، چه استعداد و توانایی‌هایی داره، چه مسائلی داره، از چه خانواده‌ای اومده همه اینها می‌تونه به حل مسائل کمک کنه» (م.ش، ۴).

مصاحبه شونده شماره ۱۲ در ارتباط با عدم ارتباط معلمان پایه قبلی و فعلی دانش‌آموزان اشاره می‌کند:

«پایه قبلی اساساً مهمه و اینکه چطوری دانش‌آموز بالا اومده و اون روند ارزشیابی توصیفی که کاری کرده که اگه دانش‌آموز قبول هم نشه و در حد انتظار هم نباشه

بعدها نمره رو برایش تغییر می‌دن تا بالا بیاد. بخشی از چالش‌ها مربوط به اینه ولی متأسفانه خود این چالش هم بهانه‌ای شده که معلمان سال جاری هم کار نکنند و با این جمله که معلم سال قبل کار نکرده و اونو مقصر اعلام می‌کنن، کوتاهی می‌کنن» (م.ش، ۱۲).

جدول ۵: کدهای مسائل روابط معلم-دانش آموز با توجه به مسائل مربوط به معلم و کادر مدرسه (منبع: یافته‌های پژوهش)

کد انتخابی	کد محوری	کدهای باز
مسائل مربوط به معلم و کادر مدرسه	کمبود دانش و تجربه معلم	عدم آشنایی با اصول روانشناسی؛ بی‌تجربگی معلمان؛ عدم وجود دوره‌های روابط انسانی برای دانشجو-معلمان؛ کمبود کتاب، تجربیات و منابع آموزشی در زمینه روابط معلم و دانش آموز؛ احساس عدم نیاز به کمک برای ایجاد ارتباط درست با دانش-آموزان در معلمان؛ نداشتن طرح درس یا پروژه برای معلمان؛
	مسائل فردی معلم	افت تکریم و شخصیت معلم؛ دلسردی معلمان؛ مسائل معیشتی معلمان؛ انتخاب شغل معلمی فقط به خاطر منبع درآمد نه علاقه؛
	عدم هماهنگی معلم و کادر مدرسه	عدم هماهنگی بین عوامل اجرایی و آموزشی؛ عدم ارتباط بین معلمان پایه قبلی و فعلی دانش آموزان؛

و) **موانع مربوط به نظام آموزشی:** از جمله مسائل دیگری که معلمان در ارتباط خود با دانش آموزان به آن اشاره می‌کردند، مسائل مربوط به نظام آموزشی بود. از نظر آن‌ها محدودیت‌های سیستم آموزشی، توجه کم به مدارس در نظام آموزشی، مسائلی که در ارتباط با آموزش معلمان وجود دارد، کمبود بوجه آموزش و پرورش، تأکید بر مسائل نظری به جای مسائل عملی در آموزش معلمان، عدم کاربرد آموزش‌های دانشگاهی در عمل، وجود هدف‌های کلی و مبهم در نظام آموزشی و نظام متمرکز آموزش و پرورش از جمله عوامل مربوط به نظام آموزشی هستند که می‌تواند در ارتباط معلم و دانش آموز مانع ایجاد می‌کنند.

مصاحبه شونده شماره ۳ در زمینه محدودیت‌هایی که سیستم آموزشی پیش روی آن‌ها می‌گذارد اشاره می‌کند:

«معلم به نظر من باید هنرمند باشد چه مشکلی دارد آواز بخواند، چه مشکلی دارد وقتی حروف الفبا رو به دانش آموزان یاد میده تنبک کوچکی داشته باشد و با ضرب‌های آن حروف را به آن‌ها یاد دهد. مثل امروز بارون می‌اومد می‌شد شعر و آواز بارون رو خونند ولی چون یک سری محدودیت‌ها در سیستم وجود دارد با مشکل مواجه می‌شویم. یا شعرهایی که در کتاب وجود دارد می‌شود با زبان عامیانه خوانده شود» (م.ش، ۳).

مصاحبه شونده شماره ۱۲ به توجه کم به مدارس، کمبود بودجه آموزش و پرورش اشاره می‌کند:

«چند سالی هست که در ساختار نظام آموزشی این مسائل دارای وضوح بیشتری است یعنی کمتر به مدارس توجه شده، کمتر توجه شده به کتاب‌های درسی، و بودجه‌ای که معلم و دانش‌آموز برای پیش‌برد فرایند آموزشی لازم دارند و این خیلی مهمه. در حال حاضر هیچ مدرسه‌ای به اندازه یک سوم دانش‌آموزانش بودجه و امکانات در اختیار نداره یعنی مدارس باید با تمام عوامل و امکاناتش که برای یک سوم جمعیت دانش‌آموزیه کل جمعیت دانش‌آموزی رو اداره کنه و این باعث مسائل بزرگی میشه» (م.ش، ۱۲).

مصاحبه شونده شماره ۹ به آموزش معلمان و عدم کاربرد آموزش‌های دانشگاهی در عمل اشاره می‌کند:

«من معلم برای چیز دیگری آموزش دیده‌ام ولی کاش برای برخورد با چنین موقعیت‌هایی هم آموزش می‌دیدم اشاره به موقعیت‌هایی که دانش‌آموز با مشکل برخورد می‌کنه. در این مواقع مجبورم براساس تجارب و آنچه به ذهنم خطور می‌کنه، هر چند شاید بعضی مواقع به غلط باشه روش من. دانش‌آموزای ما خیلی آسیب دیدن و ما هم در همین حد توانایی داریم ... ما در دوره دانشگاه انواع روانشناسی رو می‌خوندیم ولی متأسفانه برای امروز هیچ کاربردی نداشته. به نظرم تجربه از همه چیز مهم‌تره».

مصاحبه شونده شماره ۱۱ نیز در این زمینه اشاره می‌کند:

«آنچه که من طی این چند سال تجربه کرده باشم احساس می‌کنم در مراکزی که تربیت معلم و یا مراکزی که در حال حاضر به استخدام معلم مشغولند، ظلم زیادی در حق بچه‌های مردم میشه. دوره‌های روابط انسانی برای دانشجو- معلمان خیلی لازم است و این مسئله در آموزش و پرورش خیلی کمه» (م.ش، ۱۱).

مصاحبه شونده شماره ۱۲ به نظام متمرکز آموزش و پرورش اشاره می‌کنند:

«در حال حاضر نظام آموزشی ما هر درسی رو که تدریس می‌کنیم در نهایت به دانش‌آموزان این مطلب رو انتقال بدیم که این درس در آینده باعث میشه که فرد شایسته‌ای باشید یا فرد شایسته‌ای نباشید. این رویکرد کلی است که الان برنامه درسی ملی ایران بر اساس آن جلو میره. همچنین ۴۶ هدف آموزشی که زیر مجموعه این هدف کلی است. وقتی این اهداف رو بردند پیش دکتر شعاری‌نژاد وقتی ایشون به این اهداف نگاه می‌کردند، انقدر کلی و گنگ بودند که ایشون گفتند: من از این اهداف سر در نمی‌آورم» (م.ش، ۱۲).

جدول ۶: کدهای مسائل روابط معلم-دانش‌آموز با توجه به مسائل مربوط به نظام کلی آموزشی (منبع: یافته-های پژوهش)

کد انتخابی	کد محوری	کدهای باز
نظام کلی آموزشی	مسائل مربوط به نظام آموزشی	محدودیت‌های سیستم آموزشی؛ توجه کم به مدارس؛ آموزش معلمان؛ کمبود بودجه آموزش و پرورش؛ تأکید بر مسائل نظری به جای مسائل عملی در آموزش معلمان؛ عدم کاربرد آموزش‌های دانشگاهی در عمل؛ وجود هدف‌های کلی و مبهم در نظام آموزشی؛ نظام متمرکز آموزش و پرورش؛

در نهایت با توجه به کدهای استخراج شده از مصاحبه‌های پژوهش‌الگوی مفهومی زیر ارائه می‌شود (شکل ۱).



شکل ۱: الگوی مفهومی استخراج شده از مصاحبه‌های پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی شناسایی مسائل مربوط به روابط معلم-دانش آموز از دیدگاه معلمان دوره ابتدایی انجام گرفت. پس از استخراج کدهای باز و محوری از مصاحبه‌های انجام شده با معلمان، با توجه به کدهای محوری، مؤلفه‌های مسائل روابط معلم-دانش آموز تحت عنوان کدهای انتخابی نام‌گذاری شد. کدهای محوری شناسایی شده که شامل ۱۶ کد بودند، در ۶ کد انتخابی یا مؤلفه دسته‌بندی شدند. در واقع با توجه به تجربه‌های معلمان ابتدایی برای مسائل روابط معلم و دانش آموز ۶ مؤلفه استخراج شد که این مؤلفه‌ها دارای ۱۶ شاخص می‌باشند. با توجه به این نتایج می‌توان گفت که مسائلی که از جانب معلمان تجربه و درک شده است عوامل مختلفی در روابط معلم-دانش آموز نقش دارند و می‌توانند این روابط را با مشکل مواجه کنند. همچنان‌که در مبانی و ادبیات نظری روابط معلم-دانش آموز آمده است، عدم مشارکت دادن دانش آموزان در تصمیم‌گیری‌های کلاسی؛ مدیریت اداره کلاس و نظارت بر رفتار دانش آموز را خود برعهده می‌گیرند. در چنین جوی دانش آموزان هیچ نوع اختیار و مسئولیتی در فرایند یادگیری احساس نمی‌کنند و باور دارند فقط معلم است که رفتار آن‌ها را کنترل، نظارت و اصلاح می‌کند (Aali & Amin Yazdi, 2008). همچنین، هیچ ارتباط عاطفی برقرار نمی‌گردد. شاگرد معلم را به چشم بیگانه‌ای می‌نگرد که مأمور

است چند مطلب علمی را به او یاد دهد. او درس را با اکراه می‌خواند، تکالیفش را با ناراضایتی انجام می‌دهد، زود خسته می‌شود، از کلاس لذتی نمی‌برد و گاه سعی می‌کند سکوت رخوت‌بار کلاس را با رفتارهای غیرمعمول بشکند، که در این صورت با عکس‌العمل تند و تیز معلم روبه‌رو و وضع بدتر از قبل می‌شود. در این نوع کلاس‌ها معلم نیز متقابلاً از کلاس خسته می‌شود و روحیه‌اش را از دست می‌دهد. بعضی از معلمین با وضع قوانین بیش از حد، شاگردان را سردرگم می‌کنند. شاگردان نمی‌دانند به کدام قانون، در کجا، چه وقت، چگونه و چرا باید عمل کنند، به عبارت دیگر هدف‌های اصلی تربیتی در لابه‌لای مقررات ریز و درشت گم می‌شود (Raoufi, 2002).

فضای فیزیکی و آموزشی کلاس درس از جمله مسائل دیگر در زمینه ارتباط معلم-دانش‌آموز بود. برخی از معلمان به عوامل فیزیکی کلاس توجه کافی را مبذول نمی‌دارند. آن‌ها تنها وظیفه خود را ارائه مطالب می‌دانند ولی توجهی به این امر که این مطالب در چه فضایی بیان می‌گردد نمی‌کنند. همچنین آن‌ها به این امر که شاگردان در فضای فیزیکی مناسب‌تر، بهتر می‌توانند مطالب را بیاموزند توجهی ندارند. در این کلاس‌ها صندلی‌ها به صورت خطی سنتی چیده شده است و شاگردان با ردیفی از نیمکت‌ها که به صورت خطی چیده شده‌اند رو به روی معلم می‌نشینند و اکثر دانش‌آموزان دارای جای ثابتی در کلاس می‌باشند. Haber (1988) نشان داد که در کلاس‌های سنتی ۷۵ درصد شاگردان مدعی یک صندلی خاص می‌باشند و بیش‌تر از نصف زمان آن را اشغال می‌کنند. هم‌چنین این معلمان به موارد گرمایشی و سرمایشی نیز توجه لازم را به عمل نمی‌آورند. در پژوهشی Piler (1972) به این نتیجه رسید عملکرد درسی دانش‌آموزان در کلاس‌هایی که وضعیت گرمایشی و سرمایشی مناسبی دارند از دانش‌آموزان کلاس‌هایی که وضعیت مناسبی ندارند بهتر است (Cited in Shakori, 2009). مسائل فردی دانش‌آموزان از جمله مؤلفه‌های دیگر مسائل ارتباط معلم-دانش‌آموز بود. وقتی مدرسه‌ای به عللی تعطیل می‌شود، دانش‌آموزان تا حد زیادی خوشحال می‌شوند و گویی آن‌ها نیز از زندان خلاص شده‌اند، نشان می‌دهد که این نظام آموزشی پاسخگوی نیازهای روحی دانش‌آموزان نیست. در این نظام آموزشی نه تنها معلم نمی‌تواند با دانش‌آموز ارتباط دوستی و محبت برقرار کند و به او احترام بگذارد، بلکه زمینه‌های لازم برای برقرار کردن چنین ارتباطی و برای احترام گذاشتن به دانش‌آموز فراهم نشده است. اغلب معلمان مجبورند برای جلوگیری از سوء استفاده برخی از دانش‌آموزان در کلاس برخورد آمرانه داشته باشند. در این نظام آموزشی، دانش‌آموز از خود و اجتماعش احساس رضایت نمی‌کند (Borhani, 2011).

والدین هم به نوبه خود می‌توانند در فرایند شکل‌گیری و ایجاد ارتباط و یا عدم ایجاد آن تأثیرگذار باشند. چنانچه والدین دانش‌آموزان نسبت به مدرسه و یادگیری درک درست و به روزی داشته باشند، بتوانند ارتباط خود را با مدرسه حفظ کنند و در جریان یادگیری فرزندانشان باشند و

با مدرسه و معلم در این فرایند مشارکت کنند می‌توانند زمینه را برای ایجاد روابط درست و صمیمی معلم-دانش‌آموز هموار کنند. گاهی اوقات انتظارات بیش از حدی که والدین از فرزندانشان دارند زمینه را برای فشار بر آن‌ها و معلمانشان فراهم کرده و حتی گاهی اوقات به جای مشارکت در فرایند یادگیری دانش‌آموزان، همان‌طور که در مصاحبه‌ها اشاره شد در کار و تخصص معلم دخالت می‌کنند و همین به جای اینکه مسائل را حل کند به مسائل می‌افزاید. همچنی، اینکه والدین به معلمان فرزندانشان اعتماد داشته باشند و آن‌ها را در جریان یادگیری و آنچه مربوط به آن‌ها نیست آزاد بگذارند و نسبت به روش‌های جدید و خلاقانه‌ای که در تدریس و آموزش کلاس درس به کار می‌گیرند مقاومت و حساسیت نداشته باشند می‌تواند به ایجاد ارتباط بهتر معلم و دانش‌آموزان کمک کند. در نهایت مسائل مربوط به معلم و کادر مدرسه به عنوان ششمین مؤلفه مسائل روابط معلم-دانش‌آموز شناسایی شد. در این زمینه مدیر مدرسه می‌تواند با همکاری و همدلی و برقراری یک ارتباط دوستانه ساده میان معلم و دانش‌آموز همکاری و گرایش به کار را در آن‌ها افزایش دهد (Borhani, 2011). اولین برخورد معلم با دانش‌آموزان دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است، چون اساس روابط آینده‌ی آن‌ها بر پایه همین برخورد اول است. اگر بین معلم و دانش‌آموزان ارتباط خوبی وجود داشته باشد، معلم هیچ نگرانی در تأثیرگذاری بر دانش‌آموزان نخواهد داشت. اما این واقعیت بیش‌تر اوقات توسط معلمان نادیده گرفته می‌شود. آن‌ها بدون توجه به ارتباطی که با کودک دارند سعی می‌کنند در او نفوذ کنند و رفتارهای بد او را اصلاح کنند. معلمان باید ارتباط خو را با نوآموزان طوری تنظیم کنند تا نقش‌هایشان را از صورت تک‌نواز به هم‌نواز تغییر دهند و به جای تأکید بر پخش اطلاعات بر کمک کردن به نوآموزان در راه جستجو، تنظیم و درک دانستنی‌ها تأکید ورزند و بیش‌تر در هدایت کردن آن‌ها بکوشند تا قالب ریختن آن‌ها (Dreikurs, 2010).

مسائل و مسائل مربوط به نظام آموزشی نیز یکی دیگر از مؤلفه‌های شناسایی شده مسائل روابط معلم-دانش‌آموز بود. در چنین نظام‌هایی رسمیت و تمرکزگرایی زیادی وجود دارد و بر رفتارهای برنامه‌ریزی شده تأکید زیادی دارد و در آن انسان به عنوان موجودی غیرفعال، تهی و منفعل در نظر گرفته می‌شود که ذاتاً تنبل و تن‌پرور است. مطابق این الگو، فعالیت آدمی در اثر نیروهای خارجی انجام می‌گیرد؛ بنابراین هدف آموزش و پرورش، صرف انتقال فرهنگ، پر کردن ذهن آدمی و شکل دادن به رفتار اوست که مطابق با الگوهای از قبل تعیین شده است. نتایج آموزشی این الگو، تهیه و تنظیم برنامه‌های تحصیلی مرحله به مرحله و انعطاف‌ناپذیر و تأکید در زمینه انتقال محتوا در آموزش و پرورش است (Shabani, 2019). با توجه به نتایج پژوهش می‌توان گفت که علاوه بر اینکه روابط معلم-دانش‌آموز تحت تأثیر مسائل داخل کلاس است مسائلی نیز وجود دارند که خارج از محدوده کلاس است و در حیطه معلم و دانش‌آموز قرار ندارد و آن‌ها قادر به کنترل این موارد نیستند. با توجه

به نتایج این پژوهش می‌توان پیشنهادهایی ارائه داد: برگزاری منظم جلسات انجمن اولیا و مربیان؛ آگاه نمودن والدین از چگونگی مشارکت آنان در امر آموزش و پرورش به منظور فعال نمودن مشارکت آنان؛ توجه معلمان و والدین در مورد وظایفشان؛ گنجاندن دروسی تحت عنوان شیوه‌های برقراری ارتباط معلم با دانش‌آموزان در دوره‌های تربیت معلم؛ معلمان سعی کنند در کلاس درس خود از شیوه‌های مختلف مدیریت کلاس به منظور درگیر کردن و ارتباط بیشتر با دانش‌آموزان استفاده کنند؛ جوی در مدرسه ایجاد شود و شرایط خارج از مدرسه به گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان انگیزه بیشتری برای رفتن به مدرسه داشته باشند، اعتماد بنفسشان بالاتر رود و محیط مدرسه را محیطی شاداب و دلپذیر بدانند؛ معلم به عنوان کسی که بیش‌ترین زمان را با دانش‌آموزان سپری می‌کند باید از اختیارات لازم برای استفاده بهینه از زمانی که در اختیار داشته باشد؛ بین عوامل اجرایی و آموزشی مدارس ارتباطی دوستانه و توأم با دوستی در جهت کمک به دانش‌آموزان وجود داشته باشد؛ معلمان با وجود محدودیت‌هایی که دارند سعی کنند به دانش‌آموزان انگیزه بدهند تا از آن‌چه یاد می‌گیرند لذت ببرند؛ و همکاری معلم و دانش‌آموز در تولید طرح‌ها و برنامه‌های تربیتی و اصلاحی، تولید محتوا، تصمیم‌گیری‌ها در سطح مناطق و کشور، از طریق تشکل‌ها و انجمن‌های علمی و حرفه‌ای ضروری است

References:

- Aali A., & Amin Yazdi, A. (2008). Teacher characteristics and classroom management styles. *Journal of Education*, 24(1), (93), 103-135. [In Persian]
- Amanollah, A. (2019). *General methods and techniques of teaching*. Tehran: Moaser Pub. [In Persian]
- Biag, M. (2014). *A Descriptive Analysis of School Connectedness the Views of School Personnel*. Urban Education.
- Birch, S. H., & Ladd, G. W. (1998). Children's interpersonal behaviors and the teacher-child relationship. *Developmental Psychology*, 34, 934-946.
- Borhani, P. (2011). *Explanation of Relationship between Educational Practitioners (Teacher-Student and Principles) in Iran's Schools and Its Evaluation Based on Communicative Theory of Habermas (Kerman's Schools Case Study)*. M. A dissertation, Tehran: Tarbiat Modares University. [In Persian]
- Christensson, S. L., & Thurlow, M. I. (2004). School dropouts: Prevention considerations, interventions, and challenges. *Current Directions in Psychological Science*, 13, 36-39.
- Claessens, L. C. A. Tartwijk, J. V. Want, A. C. Pennings, H. J. M. Verloop, N. den Brok, P. J., & Wubbels, T. (2017). Positive teacher-student relationships go beyond the classroom, problematic ones stay inside. *The Journal of Educational Research*, 110(5), 478-493.
- Creswell, W. J. (2018). *Research design: qualitative, quantitative, and mixed methods approaches* (Translated by Alireza Kiamanesh & Maryam Danae Toos). Tehran: Jahade Daneshgahi Pub. [In Persian]

- Danaee Fard, H., & Kazemi, S. H. (2012). *Interpretive Research in the Organization of Phenomenological and Phenomenological Strategies*. Tehran: Imam Sadegh University. [In Persian]
- Dreikurs, R. (2010). *Maintaining sanity in the classroom: classroom management techniques* (Translated by Hamid Alizadeh & Alireza Raufi). Tehran: Danje. [In Persian]
- Duffy, G., & Elwood, J. (2013). The Perspectives of 'disengaged' Students in the 14-19 Phase on Motivations and Barriers to Learning within the Contexts of Institutions and Classrooms. *London Review of Education*, 11(2), 112-126.
- Farhadiyam, R. (2014). *Responsible parents and educators*. Qum: Bostan ketab Institute. [In Persian]
- Friedman, I. A. (2006). *Classroom management and teacher stress and burnout*.
- Hamre, B. K., & Pianta, R.C. (2006). *Student-Teacher Relationships*. In Children's Needs III: Development, prevention and intervention. In G. Bear & K. M. Minke (Eds.), National Association of School Psychologists, Bethesda, MD.
- Hargreaves, A. (2000). Mixed emotions: Teachers' perceptions of their interactions with students. *Teaching and Teacher Education*, 16, 811-826.
- Hattam, R., & Smith, J. (2003). Not Everyone Has a Perfect Life': Becoming Somebody without School. *Pedagogy, Culture & Society*, 11 (3), 379-398.
- Hattie, J., & A. C. (2009). *Visible Learning: A synthesis of over 800 meta-analyses relating to achievement*. New York: Routledge.
- Hazeri, A., & Rezapour, E. (2013). The Study of Some Effective Factors on Appearance of Student Resistance against School Norms, In Tehran High Schools. *Iranian Journal of Sociology*, 14(4), 35-62. [In Persian]
- Hughes, J.N., & Chen, Q. (2011). Reciprocal effects of student-teacher and student-peer relatedness: Effects on academic self-efficacy. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 32 (5), 278-287.
- Hughes, N., & Kwok, O. (2006). Classroom engagement mediates the effect of teacher-student support on elementary students' peer acceptance: A prospective analysis. *Journal of School Psychology*, 43, 465-480.
- Knoell, C. M. (2012). *The Role of the Student-Teacher Relationship in the Lives of Fifth Graders: A Mixed Methods Analysis*. A dissertation for the Degree of Doctor of Philosophy, University of Nebraska.
- Lessard, A., Poirier, M., & Fortin, L. (2010). Student-teacher relationship: A protective factor against school dropout? *Procardia-Social and Behavioral Sciences*, 2 (2), 1636-1643.
- Liberante, L. (2012). The importance of teacher-student relationships, as explored through the lens of the NSW Quality Teaching Model. *Journal of Student Engagement: Education Matters*, 2(1), 2-9.
- Lumby, J. (2012). Concern for Youth: The Experience of Education. *British Educational Research Journal*, 38 (2), 261-279.

- Mansoori Nezhad, R., Behroozy, N., & Shehni Yeylagh, M. (2016). The Relationship between Personality Characteristics with Teacher-Student Relationship Quality in Students of High School. *Journal of Applied Research in Educational Psychology*, 2(2), 89-80. [In Persian]
- MirKamali, S. M. (2018). *Human Relations in the School*. Tehran: Yastaron Pub. [In Persian]
- Mohammadpur, A. (2014). *Methodological qualitative research method: (Practical steps and procedures in qualitative methodology)*. Tehran: Jame Shenasan Pub. [In Persian]
- Mohsenian Rad, M. (2018). *Communicology: an innovative definition and model for communication process*. Tehran: Surosh Pub. [In Persian]
- Motaghi, S., Yazdi, S., Bani Jamali, S., & Darvizeh, Z. (2015). Teacher-student relationship and decision to continue or drop out: The mediating role of self-motivation motivation and academic performance. *Journal of Research in Educational Systems*, 8(27), 35-58. [In Persian]
- Nordahl, T. (2010). *The student as an actor. Focus on the students learning and action at school, in Norwegian*. (2nd Ed.). Oslo: Universitetsforlaget AS.
- O'Connor, K. E. (2008). "You choose to care": Teachers, emotions and professional identity. *Teaching and Teacher Education*, 24, 117-126.
- Ottosena, K. O. Goll, C. B., & Sørli, T. (2017). The Multifaceted Challenges in Teacher-Student Relationships: A Qualitative Study of Teachers' and Principals' Experiences and Views Regarding the Dropout Rate in Norwegian Upper-Secondary Education. *Scandinavian Journal of Educational Research*, 61 (3), 354-368.
- Pianta, R. C., Nimetz, S. L., & Bennett, E. (1997). Mother-child relationships, teacher-child relationships, and school outcomes in preschool and kindergarten. *Early Childhood Research Quarterly*, 12 (3), 263-280.
- Rabbani, S. (2010). *Pathology of interactions among teacher and student: the view point of secondary teachers and students at district of 11 in Tehran city*. M. A dissertation, Tehran: Shahid Beheshti University. [In Persian]
- Raoufi, M. H. (2002). *Management of the classroom behavior*. Mashhad: Beh Nashr Pub. [In Persian]
- Roorda, D. L. Koomen, H. M. Y. Spilt, J. L., & Oort, F. J. (2011). The influence of affective teacher-student relationships on students' school engagement and achievement: A meta-analytic approach. *Review of Educational Research*, 81 (4), 493-529.
- Shabani, H. (2019). *Education Skills*. SAMT Publications.
- Shahorani, A. Talkhabi, G. R., & Talkhabi, A. R. (2010). Investigating the Relationship between Teacher-Student Effective Relationship Characteristics and Mathematical Learning. *Quarterly Journal Educational Leadership and Management*, 3(3), 51-67. [In Persian]
- Shakori, N. (2009). Learning environments and classroom design. *City and building Magazine*, 40, 31-34. [In Persian]

Soo, A. (2016). *Teacher's Perspectives on Student-Teacher Relations and Classroom Management: Strategies for Intertwining Positive Relations and Effective Management in the Classroom*. A dissertation for the degree of Master of Teaching, University of Toronto.

Spalding, C. L. (1995). Teacher-Student Relationship (Translated by Mohammad Reza Naienian). *Roshd Magazine*, 105, 62-66. [In Persian]

Spilt, J. Koomen, H. M., & Thijs, J. (2011). Teacher wellbeing: The importance of teacher-student relationships. *Educational Psychology Review*, 23 (4), 457-477.

Tengteng, T., & Naiyi, W. (2013). The Influence of Student Personality and Teacher-student Interactions on Teacher-student Relationship Quality. *Journal of Beijing Normal University (Social Science)*, 1, 174-177.

Tileston, D. W. (2010). *What every teacher should know about student motivation*. Corwin; Second edition.

Veldman, I. van Tartwijk, J. Brekelmans, M., & Wubbels, T. (2013). Job satisfaction and teacher-student relationships across the teaching career: Four case studies. *Teaching and Teacher Education*, 32, 55- 65.

Whannell, R., & William, A. (2011). High school dropouts returning to study: The influence of the teacher and family during secondary school. *Australian Journal of Teacher Education*, 36(9), 21-35.

Yoon, J. S. (2002). Teacher characteristics as predictors of teacher-student relationships: Stress, negative affect, and self-efficacy. *Social Behavior & Personality: An International Journal*, 30, 485-494.

Zandi, A. (2004). The intimate relationship between teacher and student. *Roshd Magazine*, 178, 33-34. [In Persian]